

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان مقاله: فلسفه غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه شریف

گرد آورنده: مریم السادات میرجلیلی^۱

چکیده

مساله غیبت در گفتار معصومین علیهم السلام به عنوان یک سنت الهی مطرح شده که در میان انبیاء و اوصیای پیشین معمول بوده است. همزمان با مطرح شدن اصل غیبت امام مهدی از سوی معصومین علیهم السلام غیبت ایشان به دو بخش ۱- غیبت صغری که ۶۹ سال به طول انجامید که امام در این مدت به وسیله نواب خاص اربعه خود با مردم ارتباط برقرار می کردند و علت اینکه غیبت صغری ادامه نیافت این بود که برنامه اصلی کار آن حضرت غیبت کبری بود و غیبت صغری، مقدمه ای و زمینه سازی برای ایجاد آمادگی لازم برای پذیرش غیبت کبری بود. ۲- غیبت کبری؛ که پس از مرگ آخرین نایب خاص امام، آغاز شد و امام در این زمان از نظرها پنهان است و وظیفه مردم در این زمان، اطاعت از ولایت فقیه است و برای پاسخ به سوال های دینی خود به فقهای جامع الشرایط رجوع کنند و طبق فتوای آنها عمل کنند.

یکی از پرسش های شایع این است که فایده امام غایب چیست که در پاسخ به سه فایده اشاره می کنیم:

اول اینکه با گذشت زمان، دین دچار تغییرات می شود برای آنکه اصالت آیین الهی حفظ شود باید این رشته توسط یک پیشوای معصوم ادامه یابد و در زمان غیبت نیز، اگر چه دسترسی مستقیم از امام ممکن نیست اما ایشان با روش مختلف گره از مشکلات علمی و فکری شیعیان باز می کند. دومین فایده ی غیبت امام، امیدبخشی است؛ امامی که غایب است و قرار است ظهور کند انتظار می آفریند که انتظار مایه ی امیدواری است و امیدواری به آینده ای روشن، سبب موفقیت می شود. و سومین فایده نیز؛ دفع بلاست که حجت خداوند مانع از آن است که مردم به سبب انواع گناهان که انجام می دهند به عذاب سخت الهی دچار شوند.

یکی از علل غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه شریف امتحان و آزمایش انسان هاست؛ در اثر غیبت، گروهی که ایمان استوار ندارند دچار تردید شده و کسانی که ایمان عمیق دارند به سبب انتظار ظهور آن حضرت در برابر سختی ها، ایستادگی خواهند کرد.

دومین علل غیبت، حفظ جان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه شریف است؛ از آنجا که وعده ی ظهور حضرت مهدی به عنوان منجی داده شد خلفای عصر امام عسکری به این فکر افتادند که پس از به دنیا آمدن امام مهدی، آن حضرت را در کودکی به شهادت برسانند که خداوند برای حفظ جان آن حضرت او را در پرده غیبت قرار داد که تا موعد مقرر که مردم آمادگی داشتند ظهور کند.

سومین علل غیبت، بیعت نکردن با ستمکاران؛ برای اینکه امام وقتی قیام می کند بیعت کسی به گردن وی نباشد.

کلید واژه ها: غیبت، امام، فلسفه، علل

مقدمه

بحث در رابطه با فلسفه غیبت امام عصر یکی از مباحث مورد توجه است که توسط پیامبر اسلام و سایر معصومین مطرح شد و از همان زمان راجع به علت آن از ائمه سوالاتی شده است. مسئله غیبت امام زمان را می توان رازهای غیبی خدا دانست که آگاهی بر حقیقت و اسرار آن فراتر از توان فکری بشری است ولی با استناد به برهان های عقلی و نقلی می دانیم همه اینها مشتمل بر حکمتهایی است که تضمین کننده سعادت بشری است، هرچند علم بشر از درک آن ناتوان باشد.

علل و فلسفه غیبت امام فرع بر پذیرش امامت ایشان است پس این موضوع تنها برای افرادی مفید است که امامت ایشان را پذیرفته باشند پس افرادی که هم به امامت آن حضرت باور دارند و هم به زنده بودن ایشان بررسی علل غیبت باور آنها را به حضرت مهدی افزایش می دهد. و هم پذیرش این موضوع که جامعه از وجود حضرت مهدی خالی نیست را آسان می کند. در نتیجه انتظار برای فرج و زمینه سازی برای ظهور آن حضرت باعث امیدواری انسان به آینده می شود.

در این تحقیق از روش کتابخانه ای استفاده شده و از کتاب آیا ظهور نزدیک است بهره گرفته است. و در این تحقیق ضمن بیان انواع غیبت و علل آن به فواید وجود امام زمان نیز اشاره شده است.

فلسفه: علم به حقایق موجودات به اندازه توانایی بشر. (محمد معین، ۱۳۸۶، ص ۸۰۸)

۱- علمی که در مبادی و حقایق اشیاء و علل وجود آنها بحث می‌کند، تفکر و تعمق و تفنن در مسائل علمیه؛ حکمت. ۲- [عامیانه] علت. (حسین عمیدی، ۱۳۸۹، ص)

غیبت: ناپدید شدن، دور شدن-نهان بودن امام. (محمد معین، ۱۳۸۶، ص ۷۸۱)

۱- [مقابل حضور] غایب شدن؛ ناپیدا شدن؛ پنهان شدن از نظر؛ نهان بودن. ۲- در شیعه اثنا عشری، نهان بودن امام دوازدهم از انظار. (حسین عمیدی، ۱۳۸۹، ص)

امام: پیشوا، پیشرو- نزد شیعه اثنا عشری هر یک از دوازده پیشوا که نخستین آنان علی بن ابیطالب و آخرین آنان مهدی است؛ ج ائمه. (محمد معین، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸)

پیش، جلو، روبه رو. [اسم] [عربی، جمع ائمه] ۱- پیشوا، خصوصا پیشوا مذهبی ۲- پیش نماز ۳- هریک از دوازده پیشوا بزرگ که اول آنان علی بن ابیطالب و آخر آنان امام عصر می‌باشد - [تصوف] پیر، شیخ. (حسین عمیدی، ۱۳۸۹، ص)

عصر: زمان، روزگار؛ ج عصر، عصور، اعصار- آخر روز تا هنگام غروب، پسین؛ ج عصر، عصور [غم]. (محمد معین، ۱۳۸۶، ص ۷۵۰)

۱- آخر روز تا هنگام غروب آفتاب ۲- [ج: عصور، عصر، اعصار] دهر؛ روزگار ۳- صد و سومین سوره قرآن کریم، مکی، دارای سه آیه؛ والعصر. (حسین عمیدی، ۱۳۸۹، ص)

تعریف اصطلاحی فلسفه: تاکنون با سه معنا اصطلاحی فلسفه آشنا شده ایم: اصطلاح اول آن، شامل همه علوم حقیقی است؛ اصطلاح دوم آن، بعضی از علوم قرارداد را هم در بر می‌گیرد؛ و اصطلاح سوم آن، مخصوص به معرفت‌های غیر تجربی است و در مقابل علم [معرفت تجربی] به کار می‌رود. فلسفه طبق این اصطلاح، شامل منطق، شناخت شناسی، هستی شناسی [متافیزیک]، خداشناسی، روانشناسی نظری [غیر تجربی]، زیبا شناسی، اخلاق و سیاست می‌شود، هر چند در این زمینه کما بیش اختلاف نظرهایی وجود دارد و گاهی فقط به معنای فلسفه اولی یا متافیزیک به کار می‌رود و بنابراین می‌توان آن را اصطلاح چهارمی تلقی کرد. واژه فلسفه کاربردهای اصطلاحی دیگری نیز دارد که غالبا همراه با صفت یا مضاف الیه استعمال می‌شود؛ مانند «فلسفه علمی» و «فلسفه علوم». واژه فلسفه اصطلاحاتی دارد که مهم ترین آنها از این قرار

است: الف) همه علوم حقیقی ب) علوم حقیقی به اضافه بعضی از علوم قراردادی، مانند ادبیات و معانی و بیان. ج) علوم غیر تجربی مانند منطق، الهیات، زیبا شناسی و....) به خصوص ما بعد الطبیعه و الهیات.

تعریف اصطلاحی غیبت: غیبت در لغت به معنای پنهان شدن از دیدگان است. غایب به کسی گفته می‌شود که حاضر و ظاهر نیست. در اصطلاح مهدویت به پنهان زیستی حضرت مهدی گفته می‌شود. در برخی روایات برای اشاره به غیبت از واژه حیرت استفاده شده است.

فصل اول: غیبت و انواع آن

غیبت

مساله غیبت امری نبود که به تازگی مطرح شده باشد، بلکه در سخنان معصومین (علیه السلام) بارها به آن اشاره شده بود و مردم کما بیش با آن آشنا بودند. در روایاتی که از نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده بود، حضرت ضمن بیان خصوصیات امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه شریف) به مساله غیبت حضرتش نیز اشاره کرده بود.

در یکی از این روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین فرمود:

مهدی از فرزندان من است نام او نام من و کنیه او کنیه من است و شبیه ترین مردم به من از حیث آفرینش و خلق و خوی است. او غیبت و دوران حیرتی دارد که مردمان در آن به گمراهی می‌افتند، سپس همانند شهاب تندرو می‌آید و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد. (محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۸۳) ائمه (علیه السلام) نیز در گفتار خود به مساله غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه شریف) و سختی‌ها و نابسامانی‌های آن دوران اشاره کرده اند و از تک تک ایشان روایاتی به این مضامین نقل شده است.

اساسا مساله غیبت در گفتار معصومین (علیه السلام) به عنوان یک سنت الهی مطرح شده که در میان انبیای پیشین و اوصیای آنها معمول بوده است. بنابه روایات، صالح پیامبر در سن پیری از میان قومش غایب شد و غیبت او مدتی به طول انجامید، به طوری که چون به میان قومش بازگشت وی را نشناختند. موسی (علیه السلام) نیز مدتی غایب بود و در طی این مدت بنی اسرائیل در حیرت و سرگردانی و رنج بسیار به سر می‌بردند، تا بار دیگر موسی به نزد آنها بازگشت. چنین غیبت‌هایی درباره حضرت یونس و یوسف و برخی دیگر از پیامبران ذکر شده است. بنابراین مساله غیبت به مانند سنت جاریه ای تلقی شده است که

نگاهی به قرآن کریم روشن می‌کند که امتحان الهی، ویژه گروه یا امتی نبوده و قانونی برای همه بشر در تمامی مراحل تاریخی است. (ثامر هاشم عمیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۹)

آیات زیر بیانگر این مطلب است:

«ما كانَ اللهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ؛ چنین نبود که خداوند، مومنان را همان گونه که هستید واگذارد، مگر آنکه ناپاک را از پاک جدا کند.» (سوره آل عمران، آیه ۱۷۹)

«لِيَمِيزَ اللهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ يَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعاً فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ خدا می‌خواهد ناپاک را از پاک جدا سازد و ناپاک‌ها را روی هم بگذارد و یکجا در دوزخ قرار دهد و اینها زیانکاران هستند.» (سوره انفال، آیه ۳۷)

۲- حفظ جان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه شریف

وقتی به تاریخ صدر اسلام و حتی پیش از آن می‌نگریم، به خوبی می‌بینیم که جبهه کفرو باطل برای مقابله با جبهه حق و نابودی آن، از هیچ اقدامی فروگذاری نکرده و در این راه حتی از کشتن پیشوایان دین نیز ابایی نداشته است. آنان، به خوبی می‌دانستند ادامه حکومت دنیایی و سیطیره بر مردم و کسب منافع نامشروع، زمانی امکان پذیر خواهد بود که پیشوایان دین و هادیان حق را از سر راه خود بردارند؛ لذا شهادت امامان علیه السلام در دستور کار خلفای جور قرار گرفت. آنچه وحشت و اضطراب حاکمان خودکامه را بیشتر می‌کرد، وعده ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه شریف به عنوان منجی و مصلح بود؛ از این رو خلفای معاصر امام عسکری علیه السلام ایشان را به شدت تحت نظر داشتند، تا وقتی فرزندش به دنیا آمد، او را در همان ابتدای زندگی به شهادت برسانند؛ بنابراین طبیعی است که خداوند آخرین حجت خود را در پرده غیبت قرار دهد، تا جان او حفظ شود و در موعد مقرر و زمانی که آمادگی داشتند، ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد نماید. (جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷-۱۲۸)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «امام منتظر، پیش از قیام خود، مدتی از چشم غایب خواهد شد. راوی، از علت غیبت سوال کرد. حضرت فرمود: بر جان خویش بیمناک است.» (ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه القمی، ۱۳۸۰ ش، ج ۲، باب ۴۴، ح ۷)

البته بدیهی است که این تماس با عدم اراده خداوند به ظهور آن حضرت توأم است و گرنه او نیز مانند پدران بزرگوارش از کشته شدن در راه خدا ترسی ندارند. (علیرضا رجالی تهرانی، ۱۳۸۰، ص ۸۵)

از امام صادق علیه السلام حدیث دیگری بیان می‌کنیم که علت غیبت را روشن می‌کند. ایشان تاکید دارد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه شریف سنت‌هایی از پیامبران گذشته به ارث برده است، از جمله سنتی از حضرت موسی علیه السلام که ایشان ترسان و امیدوار بود. (ثامر هاشم عمیدی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۲)

قرآن کریم از زبان موسی علیه السلام نقل می‌کند که: وقتی از قومش گریخت و مدت زمانی از میانشان غایب شد سپس بازگشت و به آنها گفت: «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ؛ از ترس شما گریختم، تا آنکه خدا به من علم و حکمت داد و از پیامبران قرار داد.» (سوره شعراء، آیه ۲۱)

حال امام مهدی عجل الله تعالی فرجه شریف نیز همچون موسی علیه السلام است. او پس از به پایان رسیدن زمان غیبتش، علت آن را برای مردم روشن می‌کند. امام صادق علیه السلام به صراحت می‌فرماید که این علت را امام مهدی عجل الله تعالی فرجه شریف پس از ظهور بیان کرده است. ایشان در ادامه، آیه ای را در قرآن که از زبان موسی علیه السلام است، تلاوت می‌کند. در این باره «مفضل بن عمر» می‌گوید:

ابو عبدالله علیه السلام فرمود: «اِذَا قَامَ الْقَائِمُ تِلَاوَةً لِهَذِهِ الْآيَةِ «فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ: هنگامی که قائم قیام کند، این آیه را می‌خواند؛ هنگامی که از شما بیم داشتم، از شما گریختم.» (محمد بن ابراهیم ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق، ص ۱۷۴)

شیخ طوسی رحمت الله علیه می‌نویسد: «هیچ علتی مانع از ظهور آن حضرت نیست، جز اینکه می‌ترسد کشته شود. زیرا اگر جز این بود، جایز نبود که پنهان شود، بلکه ظاهر می‌گشت و هر گونه ناراحتی و آزاری را متحمل می‌شد. زیرا مقام رفیع امامان و همچنین انبیای عظام و بزرگوار آنها، به واسطه ناملایماتی بود که در راه دین خدا متحمل می‌شدند.» (محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، ۱۳۷۸ش، ۸۵۲)

۳- بیعت نکردن با ستمکاران

پیشوای دوازدهم، هیچ رژیم را، حتی از روی تقیه، به رسمیت نشناخته و نمی‌شناسد. او مامور به تقیه از هیچ سلطانی نیست و تحت حکومت و سلطنت هیچ ستمگری در نیامده و در نخواهد آمد، چرا که مطابق وظیفه خود عمل می‌کند و دین خدا را به طور کامل و بی هیچ پرده پوشی و بیم و ملاحظه ای اجرا می‌کند. بنابراین جای هیچ عهد و میثاق و بیعت با کسی و مراعات و ملاحظه نسبت به دیگران باقی نمی‌ماند.

حسن بن فضال می‌گوید: «امام هشتم علیه السلام فرمود: گویی شیعیانم را می‌بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم [امام حسن عسکری] در جست و جوی امام خود، همه جا را می‌گردند، اما او را نمی‌یابند. عرض

کردم: چرا غایب می‌شود؟ فرمود: برای اینکه وقتی با شمشیر قیام می‌کند، بیعت کسی در گردن وی نباشد.» (مهدی پیشوایی، ۱۳۹۰، ص ۶۹۰)

مرحوم قاضی نورالله از مرحوم کلینی_ صاحب کتاب اصول کافی_ به نقل از اسحاق بن یعقوب می‌گوید به واسطه محمد بن عثمان خدمت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه شریف نامه ای نوشتم که در آن سوالاتی کرده بودم، از جمله علت غیبت؟ حضرت تمام سوالات را جواب فرمود. (حسین حیدری کاشانی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۰) اما در مورد غیبت این آیه را مرقوم فرموده بودند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِن تُبَدِّلْكُمْ تَسْؤُكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید هرگز از چیزهایی مپرسید که اگر فاش شود، شما را بد آید و غمناک شوید.» (سوره مائده، آیه ۱۰۱)

و در ادامه فرمودند: «وَإِنَّهُ لَمْ يَكُن لِّأَحَدٍ مِّنْ آبَائِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ قَدْ أَوْقَعَتْ فِيْ عُنُقِهِ بَيْعَةً لِّطَاغِيَةِ زَمَانِهِ إِنِّي أَخْرَجُ حِينَ وَ لَا بَيْعَةً لِّأَحَدٍ الطَّوَاعِيَةِ فِيْ عُنُقِي؛ به درستی که هیچ یک از پدران من نبود، مگر اینکه واقع شده است در گردن او بیعت بیدادگری که در زمان او بوده و ظهور خواهیم کرد وقت خود در صورتی که بیعت هیچ کس در گردن من نباشد.» (حسین حیدری کاشانی، ۱۳۸۷، ۱۷۱)

نتیجه گیری

غیبت صغری امام زمان مقدمه ای بر غیبت کبری و زمینه سازی برای آمادگی مردم بر غیبت کبری است. و در زمان غیبت، فوائد وجودی امام غایب بر مردم پوشیده نیست بلکه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه شریف مانند آفتاب پشت ابر، برای موجودات مثر ثمر هستند و چون در دوران غیبت احتمال تحریف دین وجود دارد امام با امدادهای غیبی خود از آیین خدا پاسداری می کنند. و همچنین باعث دفع بلا و انتظار برای فرج ایشان انسان را به آینده امیدوار می کند و امید می بخشد. علل های که برای غیبت امام مهدی نام برده شد به این دلیل است که آن حضرت یاران کافی برای یاری کردن خود در اجرایی کردن اهدافشان ندارند. و ترس از کشته شدن آخرین حجت، امتحان مردم و همچنین بیعت نکردن با دیگران در هنگام قیام از علل غیبت است.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه النعمانی، علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ق
- ۴- القمی، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، قم، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، ۱۳۸۰ش
- ۵- تونه ای، مجتبی، موعودنامه، قم، مشهور، ۱۳۸۹
- ۶- پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم، موسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰
- ۷- جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، آفتاب مهر، بی جا، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۷
- ۸- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل البیت، قم، موسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق
- ۹- حیدری کاشانی، حسین، حکومت عدل گستر، بی جا، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷
- ۱۰- رجالی تهرانی، علیرضا، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه شریف، بی جا، نبوغ، بی تا
- ۱۱- رضوانی، علی اصغر، غیبت کبری، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵
- ۱۲- سبزی، ابوالفضل، ندای صاحب الزمان، قم، عصر رهایی، ۱۳۸۵
- ۱۳- سلیمیان، خدامراد، درسنامه مهدویت ۲، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، بی تا
- ۱۴- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، قم، دار الکتب السلامیه، ۱۳۹۵ق
- ۱۵- صدوقی، محمد علی، مولود موعود، تهران، فرهنگ منهاج، ۱۳۹۱

- ۱۶- طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، قم، موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق
- ۱۷- عمیدی، ثامر هاشم، غیبت امام مهدی (از دیدگاه امام جعفر صادق)، عبدالله امین پور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۷
- ۱۸- قمی، عباس، سفینه البحار، قم، اسوه، ۱۴۱۴ق
- ۱۹- کریمی بندر آبادی، محمد علی، آیا ظهور نزدیک است، سمیه وحیدی فرد، یزد، سیمای خورشید، ۱۳۹۴
- ۲۰- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش
- ۲۱- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، مهدی موعود (ترجمه جلد ۵۱ بحارالانوار)، علی دوانی، تهران، الاسلامیه، ۱۳۷۸ش
- ۲۲- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۹۸۳هـ
- ۲۳- محمدی اشتهازدی، محمد، حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۳
- ۲۴- وحید بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، حاشیه الوافی، موسسه علامه المجرّد الوحید بهبهانی، قم، موسسه علامه المجرّد الوحید بهبهانی، ۱۴۶۶ق